

آینه

نویسندگان

اصلاح بودجه؛ ضرورت یا انتخاب؟

● دکتر سیدعلی مدنی‌زاده: ...برخی اقدامات اصلی‌که لازم است در بودجه ۹۹ دیده شود به شرح زیر قابل احصا هستند:
۱. مالیات، ۱-۲. تبدیل معافیت‌های مالیاتی به نرخ‌های ترجیحی و حذف بسیاری از معافیت‌های موجود در قانون مالیات‌های مستقیم،۳- ۱. اخذ مالیات بر سود سبده و سود سهام از افرادی که درآمد آنها از این منبع از حد آستانه‌ای بالاتر است،۴- ۱. مالیات بر ارزش املاک و مستغلاتی که از سطح آستانه‌ای گران‌تر هستند، ۵- ۱. مالیات بر تراکنش‌های بانکی، ۶- ۱. ایجاد زیرساخت نظام مالیات بر درآمد خانوار برای یکپارچه‌سازی نظام مالیاتی و تأمین اجتماعی،۷- ۱. کاهش مالیات تولید برای رونق تولید، ۲. منابع حاصل از فروش نفت و گاز و دیگر دارایی‌ها، ۱- ۲. حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و اصلاح ساختار یارانه به کالاهای اساسی، ۲- ۲. اجتناب از جزی قیمت سوخت برای غیرخانوارها، ۳- ۲. فروش سهام دولت در بورس اوراق بهادار، ۴- ۲. تصحیح سیاست اتخاذشده درخصوص گران‌کردن بنزین، ۳. کاراترکردن هزینه‌ها،۱- ۳. اصلاح ساختار دستگاه‌های دولتی از طریق ادغام ردیف‌های بودجه، ادغام تشکیلات و دستگاه‌ها و کاهش هزینه‌های ستادی و برون‌سپاری امور تصدی‌گری در دولت و تعدیل نیروهای انسانی غیرکارآمد، ۲- ۳. واگذاری شرکت‌های دولتی غیرحاکمیتی و اصلاحات در ساختار مدیریت شرکت‌های دولتی حاکمیتی، ۳- ۳. اصلاح ساختار دستگاه‌های کشور، ۴- ۳. اصلاحات ساختاری و پارامتریک در نظام تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشور، ۴. اصلاح نظام بودجهریزی، ۱- ۴. برنامه‌محورکردن بودجه و محورقرار دادن دستگاه‌های سیاست‌گذار، ۴- ۲. استقرار بودجهریزی میان‌مدت، ۳- ۴. استقرار نظام کنترل تعهدات دولت، ۴- ۴. استقرار نظام پرداخت به ذی‌نفع نهایی، ۵- ۴. تمام بانک‌ها ملزم به واریز سود حساب‌های سپرده تمام دستگاه‌های دولتی و شرکت‌های دولتی به خزانه‌داری باشند.

کیتان

۱۶ آذر تولد ۲ شعار

● محمدهادی صحرایی: ...کسانی که دشمنی آمریکا و انگلیس با ایران را به‌خطر انقلاب و بعد از تسخیر لانه جاسوسی می‌دانند یا نادانان‌یا ناپاک ... تقلا پیهوده لیبرال‌های سپه‌روست که می‌خواهند چهره شیطان بزرگ را بزک کنند، وگرنه تاریخ ما گویای چهره پلید آمریکاست. بی‌اعتمادی به آمریکا کلام هزار بار تجربه‌شده است، اگر بتوان اشتباهه مصدق در اعتماد به آمریکا را توجیه کرد و تبعیدش را تنبیه او دانست، ولی هرگز نمی‌توان از گناه لیبرال‌هایی که ایران امروز را به زحمت آمریکا می‌خواهد چهره شیطان بزرگ را بزک کنند، وگرنه تاریخ ما گویای چهره پلید آمریکاست. بی‌اعتمادی به آمریکا کلام هزار بار تجربه‌شده است، اگر بتوان نتیجه‌ همان فکر فلجی است که قادر به فهم حقیقت یا اقرار به آن نبوده و نیست و هنوز هم در راه کج خود لج می‌کنند...

اعتراض

مسیحی شدن پناهجویان

● سعید عابدیپور:...محمد و همسرش آتوسا، آخرین ایرانیانی نیستند که به مسیحیت می‌گروند. این زن و شوهر ایرانی ساکن اردوگاه پناهندگان بانی کویلاچی در صربستان، اوایل سال جاری میلادی در کلیسای لوزینکا به مسیحیت ارتدوکس گرویدند و نام خود را میهاییل و تودور انتخاب کردند ...برخی مسیحی شدن ایرانی‌ها را تلاشی برای کسب فرصت پناهندگی سیاسی عنوان می‌کنند و برخی دیگر آن را ابراز تمایل واقعی برای تغییر دین می‌دانند... در کنار این مهاجرت‌ها، پدیده مسیحی‌شدن کمابیش بااین حجم اقتضا می‌کند که علامت سؤالی برای متولیان فرهنگی و سیاسی کشورمان باشد و برای حل آن به فکر چاره بیفتند. ارتداد جدای از مباحث فقهی و عقیدتی نشانه یک بحران فکری و نشانه بی‌هویتی در بخشی از جوانان است که به هر دلیل رنج مهاجرت را به جان خریدند. بدون فضای فرهنگی بازتر، شاداب‌تر، جامعه دچار رخت می‌شود. از سویی شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از عوامل تشدید این نوع رویکرد است. باید نگران بود...

هستی قاسمی: تحرکات اخیر را چه با عینک امنیتی ببینیم، چه از دیدگاه سیاسی و چه ریشه‌های آن را در مشکلات اقتصادی و سیاسی جست‌وجو کنیم، به هر روی نباید از کنار بررسی لایه‌های اجتماعی و خاستگاه آن بی‌تفاوت گذشت؛ زیرا در صورت کنکاش نکردن در ریشه اعتراض‌های اخیر و خاستگاه اجتماعی آن و بررسی نکردن این مهم، بازهم در آینده شاهد موارد مشابه خواهیم بود؛ چراکه به نظر می‌رسد یکی از دلایل تشدید خشونت امروز، همان بی‌توجهی به خاستگاه اجتماعی این اعتراض‌ها و بررسی جدی ریشه‌های آن در سال‌های گذشته بوده است.

✎ تحلیل‌های مختلفی از ریشه حوادث اخیر از سوی سیاست‌مداران و جامعه‌شناسان اعلام شده است؛ از منظر جناب‌عالی علل و عوامل دخیل در اعتراض‌های اخیر چیست؟

ریشه اصلی اعتراض‌های اخیر در شیوه اداره کشور است و بنزین بهانه‌ای بیش نبود...چه پیدیزیم و چه نپذیریم، در میان بخش‌هایی از جامعه، هم مقبولیت و هم کارآمدی بحث‌برانگیز شده است. برای نمونه، نتایج تحقیقات مختلف نشان داده است نیمی از کودکان ایرانی از فقر غذایی رنج می‌برند. ۱۰ درصد کودکان چهار تا ۱۰ساله در ایران کار می‌کنند. سه‌میلیون و ۲۰۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل به‌ویژه در شهرها و استان‌های محروم وجود دارد. فقر، تهیدستی و احساس نابرابری در ایران افزایش یافته است. در علوم اجتماعی، احساس نابرابری و فقر از خود فقر نابرابری مهم‌تر است. ممکن است برخی بگویند مردم موبایل دارند یا ساندویچ می‌خورند، چرا باید احساس فقر داشته باشند؟! درحالی‌که خوردن ساندویچ یا داشتن موبایل ملاکی برای دارایی و بی‌نیازی افراد نیست؛ چراکه امروز سطح زندگی و مصرف تغییر پیدا کرده است. علاوه بر این، بخش مهمی از علل ذهنی و عینی نارضایتی‌ها، به وجود فساد، حتی غلتیدن افراد غیرمفسد و سالم در آن، سقوط ارزش پولی کشور، افزایش رکود تورمی و بقیه موارد بازمی‌گردد. وقتی ارزش پولی کشور سقوط کرد، هم‌زمان با آن یک‌سوم دارایی افراد از بین رفت. برای نمونه، یک استاد دانشگاه با وجود ۱۵میلیون تومان درآمد ماهانه، از عهده مخارج بالای زندگی برنمی‌آید؛ این نشان‌دهنده همان رکود و سقوط ارزش پول ملی در ایران است. امروز سرمایه اجتماعی و اعتماد جامعه رو به فرسایش است. در چنین شرایطی، مشارکت، همدلی و پیوند همگانی کاهش می‌یابد؛ چنان‌که مصائب طبقات فرودست، افزایش کودکان خیابانی و تشدید فقر برای جامعه تبدیل به امری عادی شده است. با وجود برخورداری از ثروت ملی، جامعه رفتار مسائل زیست‌بومی و فقر است که این خود به ساختارها، رفتارها و رویه‌های معیوب بازمی‌گردد.

به همین دلیل بدیهی است که مشکل‌ها می‌مانند و شدت پیدا می‌کنند. درحالی‌که مشکل را می‌توان به مسئله‌ای علمی و عقلی تبدیل کرده و برای آن با سیاست‌گذاری و برنامه‌های تعاملی، عقلانی و علمی، راه‌حل‌های رضایت‌بخش اجتماعی پیدا کرد؛ اما وقتی مشکلات انباشته و مترکب می‌شوند، وجدان عمومی را آزار می‌دهند و جریحه‌دار می‌کنند و به بحران تبدیل می‌شوند. دیگر خروج از آن به دشواری امکان‌پذیر است. گاه این تصور میان مسئولان وجود دارد که بی‌توجهی مدیران به حل مشکلات، منجر به فراموشی تدریجی آن در افکار عمومی می‌شود؛ درحالی‌که چنین نیست؛ مشکلات تلباتر می‌شوند و بعد به بحران می‌انجامند. در واقع بحران ناشی از اختلال ساختی کارکردی است؛ وقتی هریک از ساختارها بگویند حل این مسائل بر عهده ما نیست یا رئیس‌جمهور اعلام کند من برای حل بحران‌ها اختیارات لازم را ندارم و کسان دیگری نیز همه اینها را فقط کم‌کاری و ندانم‌کاری قوه مجریه و ناموس می‌دانند، این سیستم را دچار بحران می‌کند. نظام سیاسی نیز مانند ارگانیسم عمل می‌کند؛ بیماری بدن را دچار بحران کرده و سپس مسئله مرگ و زندگی انسان به میان می‌آید. به همین دلیل باید اذعان کرد که گرانی بنزین جرقه‌ای برای اشتعال نارضایتی‌های دیگر بود؛ زیرا در سراسر جهان ممکن است افراد به گرانی کالا و سوخت اعتراض کنند، اما با یک پالنج مناسب از سوی مسئولان آن کشورها، راه‌حلی پیدا می‌شود.

✎ چرا اعتراض‌ها در ایران هر بار خشونت‌بارتر از دفعات قبل می‌شود؟

سیاست

مقصود فراسخواه در گفت‌وگو با «شرق»

آلترناتیوی جز اصلاحات وجود ندارد

مطالبات طبقه متوسط به معیشت و بقا تنزل یافته است



علین سید پناز شرق

✎ می‌توان گفت که تنزل رویکرد از سطوح بالای سیاسی و اجتماعی به اقتصادی نشان از تفاوت عمیق رویکردها در اعتراضات از ۷۸ با رویکرد عموم در سال‌های ۹۶ و ۹۸ دارد؟

بله همین‌طور است. امروز مسئله بقا بیش از هر چیز برای عموم جامعه در اولویت قرار دارد در نتیجه اعتراضات به سمت نیازهای اولیه بسوق می‌یابد که امری خطرناک است. زمانی مطالبات جامعه معطوف به اموری همچون مطبوعات آزاد، تاتر، فیلم و حقوق انتخاباتی بود اما با خود می‌گفتند اگر مطبوعات در کشور آزاد نیست، حداقل مسئله رفاه و معیشت نداریم، اکنون علاوه بر نیازهای خودشکوفایی، خواسته‌های مربوط به بقای جامعه پاسخ داده نشده است به همین امری خطرناک است. زمانی مطالبات جامعه معطوف به اموری همچون مطبوعات آزاد، تاتر، فیلم و حقوق انتخاباتی بود اما با خود می‌گفتند اگر مطبوعات در کشور آزاد نیست، حداقل مسئله رفاه و معیشت نداریم، اکنون علاوه بر نیازهای خودشکوفایی، خواسته‌های مربوط به بقای جامعه پاسخ داده نشده است. به همین دلیل نه تنها وگرنه‌ها نسبت به ۷۸ تغییر یافته بلکه خاستگاه اجتماعی و طبقاتی نیز از سطح متوسط به لایه‌های پایین یا دست‌مزدبگیران، حاشیه‌نشینان و تهیدستان شهری تنزل کرده است. علاوه بر این، از منظر تعداد نیز اعتراضات نسبت به گذشته بااست و پراکندگی در آن هم دیده می‌شود. پایگاه نظرسنجی گالوپ احساسات و عواطف مثبت و منفی افراد را در جهان مورد سنجش قرار می‌دهد. طبق گزارش ۲۰۱۹ این پایگاه، ایران پس از چاد، نیجریه، سریلانکا و عراق جایگاه پنجم را در جهان دارد. چراکه جامعه اغلب عصبانی است، احساس رضایت به زندگی ندارد و امید به آینده و اعتمادش مخدوش شده است. در چنین شرایطی کسانی هم می‌توانند از احساسات جامعه سوءاستفاده کنند و بر این امواج سوار شوند. یک جامعه هیچانی مناسب برای موج‌سواران است؛ آن‌هم افرادی که برای مصلحت و منافع ملی دل نمی‌سوزانند و به چیزی جز مقاصد فزردی خود نمی‌اندیشند؛ این وضعیتی که ناشی از اهمال و بی‌توجهی مدیران است، زیرا نشانه‌های بحران را به‌موقع و درست شناسایی نکرده و متوجه علائم اولیه بحران نشده‌اند.

✎ مشارکت‌نداشتن جامعه در تصمیمات چه پیامدهایی در پی دارد؟

بدون تردید مشارکت جامعه در تصمیمات مهم کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. در آلمان برای الزامی‌کردن استفاده از کمربند ایمنی سه سال به طور مداوم نظرسنجی صورت گرفت؛ حتی اگر فردی هم با الزامی‌کردن کمربند ایمنی مخالف بود، پس از سه سال وضعیتی برای اتمام آبراهام مزلو نظیر تغییر سبک زندگی، تأمین اوقات فراغت، آزادی مدنی و مطبوعات و اعتلای فرهنگ، اخلاق، هنر، ادبیات، دانش و عقلانیت است. زمانی جامعه ایران حساسیت بالایی نسبت به خودشکوفایی یا همان سبک زندگی، آزادی اجتماعی و مطبوعات و فکر و... نشان می‌داد اما اکنون نیازهای پایه نظیر گرسنگی و تلاش برای سرایماندن برای مردم اهمیت دارد. نگرانی افراد امروز عدم امنیت شغلی، ازدست‌دادن کار، اجاره‌خانه و... است. در نتیجه طبقه متوسط به دلیل رکود تورمی رو به فرسایش و ضعف است. بدیهی است که نیازهای سطح بالا نظیر مشارکت اجتماعی و خلاقیت‌های مدنی و ان‌جی‌اویسی و به طور کل خودشکوفایی به حاشیه رانده می‌شود. حال آنکه ایران در رده بیست‌وهفتمین کشور ثروتمند جهان از منظر تولید ناخالص داخلی قرار دارد اما از منظر خوشبختی عمومی در سطوح پایین قرار داریم. بنابراین چگونه می‌شود که یک کشور با وجود دارایی بالقوه بالای اقتصادی، این همه گرفتار تهیدستی و محنت شود؟ به نظر می‌رسد که نه تنها روز به روز طبقه متوسط با ارزش‌های خودشکوفایی خود فاصله می‌گیرد بلکه حتی ارزش‌های اولیه بقا نیز روز به روز برای عموم جامعه مخدوش می‌شود.

مطلوب داده نشود، نارضایتی‌ها تشدید می‌شود.

✎ چنانچه در آینده بدون درنظرگرفتن عواقب اجتماعی، اقدام به جراحی اقتصادی شود، چه تبعاتی متوجه کشور خواهد بود؟

بحران‌ها در مراحل اولیه نشانه‌شناسی نمی‌شوند. روزبه‌روز شدت می‌یابند. حتی بحران‌ها از یکدیگر تغذیه می‌کنند. به عبارتی بحران اقتصادی منجر به بحران اجتماعی یا تشدید نارضایتی و خشونت می‌شود. به‌عنوان نمونه خشکیدن دریاچه‌ها و تالاب در زست مردم تأثیر مخرب دارد؛ اما بی‌توجهی مسئولان به حل مسئله، اعتراض عموم را در پی دارد و در نتیجه بحران زیست‌محیطی به بحرانی دیگر تبدیل می‌شود؛ زیرا سیاست مدون، برنامه‌ریزی‌شده و مستقلی برای حل بحران دریاچه‌ها و تالاب‌ها وجود ندارد. بحران بین‌المللی مانند خروج آمریکا از برجام منجر به بازگشت یکباره تحریم‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای از سوی این کشور شده است؛ درحالی‌که موفقیت برجام می‌توانست شرایط اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی ایران را بهبود ببخشد. البته بخشی از این وضعیت به دلیل سنگ‌اندازی‌های نیروهای مخالف دولت در داخل و سوءاستفاده ترامپ از این اوضاع بود؛ در نتیجه با شکست دیپلماسی عقلانی ایران، اکنون بحران بین‌المللی، به بحران ملی دامن می‌زند؛ زیرا تحریم بر روز غذا، دارو، درآمد، رکود و... تأثیر می‌گذارد. پس از یک نظر بخشی از علل بحران ملی را می‌توان در بحران بین‌المللی جست‌وجو کرد.

✎ اعتراضات اخیر چه تأثیری بر انتخابات مجلس می‌گذارد؟ آیا می‌توان گفت وضعیت موجود به نفع برخی از جریان‌های سیاسی در انتخابات پیش‌رو خواهد بود؟

امروز وضعیت ایران به جایی رسیده که باید حواس‌مان جمع باشد. به عبارتی باید بپذیریم همه با یکدیگر زندگی آزادمنشانه افقی و صلح‌آمیز و گفت‌وگو و آشتی ملی بکنیم هم عقل متوسط و میانگین دیدگاه‌های یکدیگر را بپذیریم. به‌همین‌دلیل باید همه گروه‌ها به آشتی ملی و حل مشکلات از طریق اصلاحات اساسی ساختاری تن در دهند. معلوم شد که اصلاحات ضعیف در ایران اصلا پاسخ‌گو نیست. ما به رقابت‌های دموکراتیک و صلح‌آمیز و بازی‌های برد-برد نیاز داریم؛ در غیراین‌صورت نباید خوش‌بین بود که نیروها و کشورهای بیگانه مشکلات داخلی ایران را بتوانند حل کنند؛ چراکه هیچ کشوری نمی‌تواند برای کشوری دیگر آزادی و دموکراسی را ارمغان بیاورد. ایران امروز آلترناتیو دیگری جز اصلاحات ساختاری ندارد. کشور امروز دست‌کم به اصلاحات ساختاری در سطح کف نیاز دارد. به‌زودی انتخابات مجلس را در پیش داریم؛ مثل آب‌خوردن، نیاز به ورود نماینده‌های مستقل و شایسته که کارآمد به مجلس بدون مانع، در رأس امور بودن مجلس و تقویت بخش انتخابی و مسئول و قابل بازخواست داریم؛ وگرنه همه جریان‌های موجود خواهند باخت و کشور را به خطر خواهند انداخت. درحالی‌که مردم در انتخابات ۹۲ و ۹۶ با امید در پای صندوق‌های رای حضور یافتند و به اصلاحات امیدوار بودند؛ اما امروز امید چرندانی به مشارکت بالای مردم در انتخابات وجود ندارد؛ جز آنکه به اصلاحات ساختاری تن در دهیم. برای ترمیم اعتماد عمومی باید چند اقدام را مدنظر قرار داد: نخست، دیپلماسی عقلانی، تصمیمات مربوط به مسائل بین‌الملل از سوی نیروهای متخصص و آگاه براساس مصلحت کشور اتخاذ شود. امروز بدون دادن بهانه به مخالفان، ایران باید به‌عنوان کشوری صلح‌طلب و اهل مذاکره در جامعه بین‌الملل تعریف شود. مسئولان باید از کوچک‌ترین فرصت‌ها و امکانات برای حل مشکلات بین‌المللی بهره ببرند. تا زمانی‌که بحران بین‌المللی را حل نکرده‌ایم و گفت‌وگوی ملی، اصلاحات ساختاری و بازی برد-برد را در دستور کار قرار ن داده‌ایم، باید در انتظار پیچیده‌ترشدن مسائل بود. امروز ایران در وضعیت بسیار حساسی به سر می‌برد. افرادی که مسئولیت بیشتری دارند، باید مسائل را جدی بگیرند و به دنبال ارائه راه‌حل برای برون‌رفت از آن باشند. نباید تصور کرد که بحران را می‌توان با مسدودکردن اینترنت حل کرد. حقیقتا به این شور زندگی شرافتمندانه، حق طلبانه، عدالت‌خواهانه و تحول‌خواهانه و صلح‌آمیز در ملت و به این میل به مشارکت و حقوق و آزادی‌ها احترام بگذاریم و اجازه بدهیم تداوم یابد. این مردم سزوار زندگی بسیار بهتر از این هستند.

خسارات مالی و جانی وقایع اخیر را چطور می‌توان جبران کرد؟

(ماده ۳۴). این صندوق وسیله کامل و فوری جبران خسارات است و زبان‌دیده را هم از مراجعه به محاکم بی‌نیاز می‌کند. در روزهای اخیر حجم زیادی از دعاوی مربوط به این خسارات به دادگستری سرازیر شده و همچنان در حال افزایش است. با اعمال این راهکار از افزایش بخشی از دعاوی کاسته خواهد شد و نظارت دولت در نحوه پرداخت خسارات هم مؤثرتر است، مضافاً اینکه اگر با ناک باشد شهروندان از طریق مراجع قضائی احقاق حق کنند، پس از صدور اجرائیه، دولت قبل از سبزی‌شدن مهلت ۱۸ ماهه موضوع قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها و دولت، تکلیفی به پرداخت محکومه ندارد.
بنا توجه به اینکه هنوز طرح بودجه سال ۱۳۹۹ به مجلس تقدیم نشده است، دولت می‌تواند در طرح بودجه اباحت‌های اعمال کند و مجلس هم می‌تواند در تصویب قانون بودجه به این موضوع بیندیشد.

یادداشت

مؤذن برخیز

پروین گنجی

● چه زیبا گفت شهید بهشتی که دانشجوی مؤذنی است که اگر خواب بماند، نماز امت قضا می‌شود. یکی از روزهای ماندگار تاریخ ایران ۱۶ آذر یا روز دانشجو است. با فرارسیدن ۱۶ آذر و روز دانشجو فرصتی دوباره برای بررسی هویت تاریخی و رسالت ملی و دینی دانشجو، فرا روی ما قرار می‌گیرد تا کنکاش کنیم دانشجو کیست و چرا مطالبه‌گر است؟ از دیدگاه مارکوزه، هابر ماس و فوکو دانشجویان سه ویژگی و خصیصه اصلی دارند که می‌توانند پتانسیل و ظرفیت جنبش‌های اجتماعی جدید باشند:

۱. **خصیصه سنی:** دانشجویان جوان هستند و جوانی برای خود ویژگی‌هایی دارد. عمده‌ترین ویژگی جوانی این است که سن هیچ‌ان‌ها و انرژی‌های متراکم است و افسرد در این دوره می‌خواهند این انرژی متراکم و هیجان انباشته را در جایی تخلیه کنند؛ بنابراین سن دانشجویی مقتضی تحرک و حرکت‌های انقلابی است.
۲. **ویژگی معرفتی:** چون دانشجو با معرفت‌ها و اطلاعات تازه سروکار دارد و از لحاظ روشی نیز مَثد انتقادی و تحلیلی را دنبال می‌کند، بنابراین به وضع موجود رضایت نمی‌دهد و با آن درگیر است. پرشگر و انتقادگر است و این ویژگی باعث می‌شود که دانشجو به عنوان محور اصلی تحرکات اجتماعی شناخته شود.
۳. **دانشجو محافظه‌کار نیست:** کسانی مثل مارکوزه و دیگران می‌گفتند که طبقات اجتماعی به علت وابستگی به کار، شغل و درآمد، محافظه‌کارند، اما دانشجو چون کار و اشتغال ندارد، محافظه‌کار نیست؛ آرمان‌خواه است و در راه آرمانش هزینه می‌کند و به هزینه‌کردن، راحت رو می‌آورد.

از نظر اقتصادی و اجتماعی، دانشجویان درجوامع معاصر گروه‌های حاشیه‌نشینی هستند که در دوران دانشجویی جایگاهی در درون شیوه تولید و متن روابط اقتصادی جامعه ندارند و به عنوان نیروی کار فوق‌العاده آینده از منابع بخش عمومی یا بخش خصوصی ارتزاق می‌کنند. از منظر اجتماعی ویژگی‌های زندگی دانشجویی عبارت‌اند از: دورافتادگی از خانواده، احساس گسیختگی و آزادی در انتخاب راه زندگی و زندگی دسته‌جمعی در خوابگاه‌ها. چنین شرایطی در کنار بهره‌مندی از سن جوانی توأم با شور و هیجان و تحرک، واردشدن در جرگه روشنفکری به دلیل آغاز به تحصیلات عالی و آشنایی نزدیک و نسبتاً نظام‌مند با مسائل اجتماعی و سیاسی، بهره‌مندبودن از فرصت تحلیل‌های دسته‌جمعی خوابگاهی پیرامون شرایط اجتماعی و سیاسی داخلی و جهانی و... جنبش‌های دانشجویی را در وضعیتی قرار می‌دهد که اغلب خصلتی آرمانگرایانه پیدا می‌کنند. اساساً نوع زیست دانشجویی به‌گونه‌ای است که زمینه‌ای مساعد برای پیدایش جنبش‌های اجتماعی ضدستنی، عدالت‌خواهانه و آرمانگرایانه، پدید می‌آورد. در حقیقت تجمع بخشی از نیروهای آگاه جامعه که سطح تحصیلی نسبتاً بالا و روحیه کنکاش و بررسی علمی دارند، وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روند مناسبات اجتماعی را در معرض نقادی دانشجو و دانشاگاه قرار می‌دهند. ذهن نقاد و حساس دانشجو، او را به تفکر و تأمل نسبت‌به مشکلات جامعه می‌کشاند؛ به این معنی که میزان مشکلات موجود در جامعه بر میزان شدت یا کاهش انتقادات و اعتراض‌ها و فعالیت سیاسی دانشجویان تأثیر دارد؛ هرچه مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بیشتر باشد، میزان اعتراض‌ها و انتقادهای دانشجویان نیز بیشتر و رادیکال‌تر خواهد بود.

بی‌تردید پرسشگری و انتقاد سازنده لازمه تفکر، پویایی و پیشرفت است. دانشجو در دانشگاه می‌آموزد که در برابر هر چه می‌شود و می‌بیند، چون و چرا بگذارد و در مقابل هر رویدادی، مکث و تأمل کند و در پس هر حاشیه، ریشه‌ها و علل آن را بیابی کند. این روحیه که خصیصه ارزشمند اذهان زنده و فعال است، به دانشجو هویت مستقل فکری می‌بخشد و او را در زمره قشر روشنفکر و مبارزه‌طلبی دانشجویان و یادآوری ۱۶ آذر، هر سال دانشجویان دولت‌های بر مسند قدرت را نقد می‌کنند که در این مقال مجال پرداخت به نحوه نقد نیست. کماکان از دانشجویان عزیز به‌دلیل همراه‌داشتن دو عنصر آگاهی و انرژی به‌طور هم‌زمان انتظار می‌رود در برابر حرکت‌های غیرقانونی دولت‌ها چشم‌بیدار جامعه باشند. از حرکت‌های سطحی و احزاب محافظه‌کارانه اجتناب کنند و آن‌قدر هوشیار باشند که در دام استفاده ابزاری گروه‌ها و افراد نیفتند و از هزینه‌های احتمالی در مسیر فعالیت نیز نهراسند؛ این امر مستلزم درمندی، آرمانگرایی و مطالبه‌گری دانشجویان است که حاصل کار تشکیلاتی‌گسترده است.

شیراز حدیدی‌شهباز: در جریان اتفاقات اخیر، صرف‌نظر از ریشه‌های

اجتماعی یا سیاسی آن، بعضی از اشخاص حقیقی و حقوقی (دولتی یا غیردولتی) متحمل خسارت شدند. به طور قطع سبب اصلی و نهایی ورود خسارت مهم نیست. سبب یا اسباب زیادی در ورود خسارت دخیل بودند و البته که در این‌گونه موارد زیان‌دیده قادر به تعیین و تشخیص عامل ورود ضرر و اثبات رابطه سببیت نیست و در فرض اثبات ضرر هم معمولاً اگر عامل زیان معسر از جبران خسارت باشد، ضرورت‌زان او به‌موقع و به طور کامل جبران نمی‌شود. راهکار عملی جبران کامل و به‌موقع این‌گونه خسارات بیمه است. اگر زیان‌دیده را در اتفاقات اخیر نسبت به دولت و مردم ثالث فرض کنیم، علی‌القاعده خسارات آنها می‌بایست از بیمه‌های خسارت و صندوق‌های تأمین خسارت قابل جبران باشد. مسلم این است که بیمه‌ها این وقایع را از مسئولیت‌های خود مستثا می‌دانند

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب مریم خاکی مجرد فرزند هادی به شماره شناسنامه ۴۵۶۷۶ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته زیست شناسی سلولی - مولکولی صادره از واحد دانشگاهی تهران مرکز با شماره ۱۴۸۹۱۰۶۸۸۶ و تاریخ ۹۰/۱۰/۷ مفقود گردیده است. از یابنده تقاضا می گردد مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز به نشانی: تهران- بلوار ارتش- میدان قائم- خیابان خندان- خیابان سلماس- ارسال فرمایید.

پروانه کاراموزی وکالت معصومه پودبینه‌فر به شماره پروانه ۲۳۷۷ کانون وکلای دادگستری البرز و کارت ملی به شماره ۸۲۷۴۲۸۲۲۳۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.